

معامله نضری ← معامله سب به مال غیر چیز به عنان
دلائل و مساب و حالات

عمر ناند

فصول خریدار (امیل)

مالک مال ← تنفیذ (اجازہ) ← معامله صحیح دانندی سرد
که رد کنند سے معامله باطل

کدرت ماک صی در علی عده ← باز عماله قنری ← عرناند

منغ تیلی ماک ← باز هم عرناند

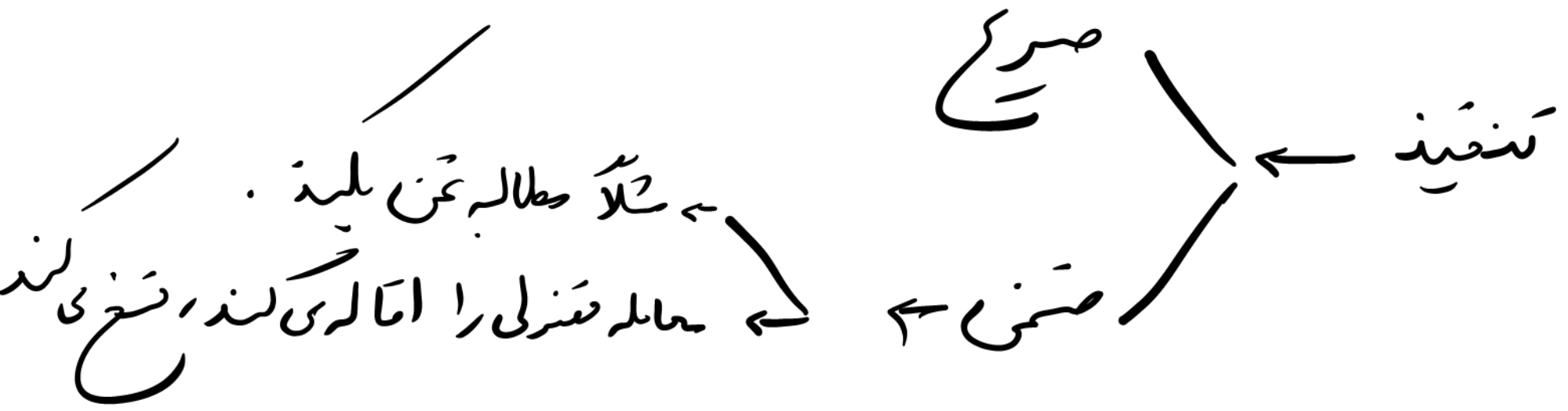
به سو این در سو دست نه است
در زمان عده، از قنری بدون
عبرند است

منعمل نننید یا در ماک با سیم
ار تا صر موب تفسر امیل ،
باند

خرید از قنری
امیل ← ی تواند عماله قنری
را بر هم برند

اگر مالی را به میزان نفسی بفرستد. بعد معلوم شود مال متعلق به خودش

را فرستاده ← باز هم عاقله عرفانند ← منتظر تنفیذ یا رد مالند



عَرَضٌ عَالِمٌ فَضْلِي رَاكِدٌ لَمْ يَكُنْ عَالِمًا فَضْلِي ۛ بَاطِلٌ

خَرِيدَارِ (اَهْلِي) ۛ عَمَّنْ رَايَ تَوَانَدَسِي بَلَدِ دَرِ عَرَضِ

عَرَضٌ عَالِمٌ بُوَدِي بِ فَضْلِي بُوَدِنِ عَالِمِ

عَرَايَاتِ رَا هَمِي تَوَانَدَازِ فَضْلِي بَلَدِ

عزایات صدر ۸

رُأر دمدت روم ← عند اللزوم ارجاع امر به کارشناس

ریاس از ایسی تمبک (تدریس) احوال مشابہ سے از نظر
شعبہ جنس

دوست

عوامل قرضی مستعد

ملی رسد واک

قرض ← من ← حسن ← رصنا

مالک
ارباب بدون اطلاع از سایر عاملان قرضی، یک عامل را رد کنند ← متوجهان عامل باطل

بقره محضان خوانند

ارباب بدون اطلاع از سایر عوامل قرضی، یک عامل را نپذیرند ← آن عامل مع

بقره محضان خوانند

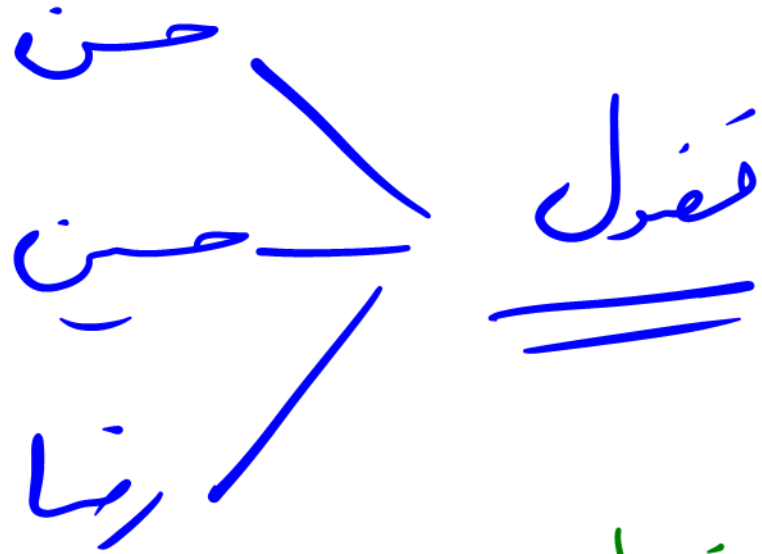
فَقُولُ مَنْ ~~صِن~~ رَضَا

اگر عالم به سایر عبادات تقوی، در عالمه را شنیدند
آن عالمه صبح
بعدی عالم صبح

آنکلی ما به باطل
رد صنی

اگر عالم به سایر عبادات تقوی، در عالمه را رد کند
آن عالمه باطل
آنکلی عالمه رد صنی باطل
بعدی عالمه صحیفان عزماند

علاقات تفردی عرضی



عزیزان! با علم به سایر حالات تفردی ← معالجه ابر را تقدیم کنید
آن معالجه صحیح
نفس، باطل
ردیفی

اگر سائل با علم به سائر معاملات فِضَلِی بَدَرِ حَمَلَه رَا رَد کرد ہے
آن حَمَلَه با صِل

نَفْسِ
حَمِيْلَانِ عَرِيْضَانِ

اگر سائل بَدُوْنِ عِلْمِ بِسَائِرِ عَمَلَاتِ فِضَلِی اَمَلِ حَمَلَه رَا مَقْبُوْلِی نَمَدِے
آن حَمَلَه صَح

نَفْسِ
حَمِيْلَانِ

اگر سائل بَدُوْنِ عِلْمِ بِسَائِرِ عَمَلَاتِ فِضَلِی بَدَرِ حَمَلَه رَا رَد کنند
عَرِيْضَانِ

اگر آن حَمَلَه با صِل
نَفْسِ حَمِيْلَانِ عَرِيْضَانِ